

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرین چیزها جلسه ۹، نشانه‌های کلیسا جدایی کلیسایی، و اصول کتاب مقدس در مورد خطا

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۹، نشانه‌های کلیسا، جدایی کلیسایی و اصول کتاب مقدس در مورد خطا است.

اکنون در سخنرانی‌هایمان از ویژگی‌های کلیسا به نشانه‌های کلیسا می‌پردازیم.

بیا بید دعا کنیم. پروردگار عیسی مسیح، از تو سپاسگزاریم که تو پروردگار کلیسا هستی. از تو سپاسگزاریم که ما را جزئی از قوم خود قرار دادی. در ما کار کن، ما را تشویق کن، دعا می‌کنیم. ما را در جایی که نیاز داریم اصلاح کن، ما را در راه جاودانه خود هدایت کن. به نام مقدس تو دعا می‌کنیم. آمین.

ما در مورد ویژگی‌های کلیسا صحبت کردیم، که شامل موضوعات مربوط به آباء، تعریف و اعتراف بود. یک کلیسای کاتولیک مقدس و رسولی وجود دارد. حال، به نشانه‌های کلیسا می‌پردازیم که موضوعی جدلی و اصلاحی است.

در پایان، سه علامت وجود دارد. لوتر، در جایی، درباره هفت علامت کلیسا صحبت کرد: موعظه، غسل تعمید، شام خداوند و کلیدها. او به متی ۱۸ اشاره می‌کند؛ منظور او تأدیب، دعوت از خادمان، دعا، عبادت عمومی و داشتن صلیب مقدس است؛ منظور او از این کلمات، آزار و اذیت بود. من به این نکته اشاره می‌کنم که بگویم لوتر واقعاً ادعا نمی‌کرد که این عددی است که باید در زندگی کلیسا استفاده شود، بلکه اصلاح‌طلبان در این زمینه فکر می‌کردند.

در اعتراف‌نامه ژنو خود کالوین در سال ۱۵۳۶، بخشی از آن این بود، ماده ۱۸، علامت مناسب، مفرد، لاتین علامت مناسب که به درستی می‌توان کلیسای عیسی مسیح را با آن تشخیص داد، *notae*، جمع، *notae*، است. داد این است که انجیل مقدس او خالصانه و با ایمان موعظه، اعلام، شنیده و حفظ شود، که آیین‌های مقدس او به درستی اجرا شوند، حتی اگر نقص‌ها و خطاهایی وجود داشته باشد، همانطور که همیشه در بین انسان‌ها وجود خواهد داشت. او می‌گوید نشانه، و انجیل را در اولویت قرار می‌دهد، اما سپس آیین‌های مقدس را شامل می‌کند و توجه کنید که هنوز هیچ اشاره‌ای به تأدیب نشده است. در واقع، در مطالعات کالوین بحثی وجود دارد که آیا او تأدیب را لحاظ کرده است یا خیر. او فکر می‌کرد که تأدیب مهم است. در اینجا بحثی وجود ندارد، اما همه موافقند که او کلام و آیین‌های مقدس را به عنوان دو علامت اول داشته است. سنت او قطعاً تأدیب را اضافه کرده است. این سؤال است که در حال حاضر فراتر از علاقه و نگرانی ماست، اینکه آیا کالوین علامت سوم تأدیب را داشته است یا خیر.

شرح استاندارد اعترافی این علائم از اعتراف‌نامه‌ی بلژیکی ۱۵۶۱، نوشته‌ی گویدو دو بری، گرفته شده است. این اعتراف‌نامه، دفاعیه‌ای برای مسیحیان اصلاح‌شده‌ی تحت آزار و اذیت در مناطق پست، اعتراف‌نامه‌ی بلژیکی، است و همانطور که قبلاً گفتیم، این اعتراف‌نامه، همراه با اعتراف‌نامه‌ی هایدلبرگ و قوانین دورت بخشی از سه شکل وحدت کلیساهای اصلاح‌شده است. استانداردهای وست‌مینستر نمادهای اعتقادی کلیساهای پرسبیتی هستند.

اعتراف‌نامه بلژیکی، ماده ۲۹، ما معتقدیم که باید با دقت و با کلام خدا تشخیص دهیم که کلیسای واقعی چیست، زیرا همه فرقه‌های جهان امروز نام کلیسا را برای خود انتخاب می‌کنند. ما در اینجا از گروه ریاکارانی که در میان خوبان کلیسا قرار دارند و با این وجود جزئی از آن نیستند، صحبت نمی‌کنیم، حتی اگر از نظر فیزیکی آنجا باشند، بلکه از تمایز بدنه و رفاقت کلیسای واقعی از همه فرقه‌هایی که خود را کلیسا می‌نامند صحبت می‌کنیم. او نه تنها با روم مخالف است، بلکه با اصلاحات رادیکال نیز مخالف است. ما در مورد اصلاح‌طلبان مقتدر لوتر، بزا، لوتر، زوینگی و کالوین صحبت می‌کنیم که از حمایت دولت و شاهزاده برخوردار بودند.

اصلاح‌طلبان رادیکال، گروهی رنگارنگ بودند و در اصلاحات رادیکال، اشتباهات و چیزهای عجیب و غریب به اندازه‌ای وجود داشت که لوتر و کالوین نمی‌توانستند حقیقت و باطل را از هم تشخیص دهند؛ جالب اینجاست که اگرچه اصلاحات رادیکال به دلیل وجود مخالفان تثلیث، که در قرن شانزدهم جرم بزرگی محسوب می‌شد، بسیار باطل بود. این اصلاحات شامل متعصبان آخرالزمانی بود که به نام خداوند شهرها را تصرف می‌کردند. باورش سخت است، اما شامل برهنگی و چندهمسری قرن شانزدهم نیز می‌شد که ادعا می‌کردند برای مورد اول به کتاب باغ عدن و برای مورد دوم به دوره پدرسالاری بازمی‌گردند.

به هر حال، این اشتباه است؛ آنها اشتباه کردند، اما قابل درک است که اصلاح‌طلبان همه آناپاتیست‌های اصلاحات رادیکال را محکوم کنند. این اشتباه بود، اما متأسفانه کاری است که آنها انجام دادند. بنابراین اعتراف‌نامه بلژیکی در تلاش است تا بین کلیسای اصلاح‌طلب واقعی، که آنها آن را کلیسای کاتولیک یا جهانی می‌دانند، و نه تنها کلیسای رم، بلکه همه اینها تمایز قائل شود؛ آنها آنها را فرقه می‌نامند، اصلاحات رادیکال طرفداران نام دیگری است که آنها استفاده می‌کنند.

کلیسای حقیقی را می‌توان در صورتی تشخیص داد که نشانه‌های زیر را داشته باشد. این یک بیانیه نمادین و اعترافی قطعی است. کلیسا به موعظه خالص انجیل می‌پردازد.

از اجرای خالصانه‌ی رازهای مقدس، آن‌گونه که مسیح آنها را بنیان نهاد، استفاده می‌کند. انضباط کلیسایی را برای اصلاح خطاها به کار می‌گیرد. اینها سه نشانه‌ی کلیسا هستند.

خلاصه اینکه، این کلیسا بر اساس کلام ناب خدا اداره می‌شود، هر چیزی را که با آن مغایرت دارد رد می‌کند و عیسی مسیح را تنها رهبر می‌داند. آیا این توهینی به روم است؟ شرط می‌بندم که هست. با این نشانه‌ها می‌توان مطمئن بود که کلیسای حقیقی را می‌شناسیم و هیچ‌کس نباید از آن جدا شود.

در مورد کسانی که به کلیسا تعلق دارند، می‌توانیم آنها را با نشانه‌های متمایز مسیحیان بشناسیم. این منحصر به اعتراف بلژیکی است. و در طول سال‌ها، دانش‌آموزان من آن را جدید و طراوت‌بخش یافتند، نه تنها نشانه‌های کلیسا، بلکه نشانه‌های مسیحیان، یعنی با ایمان و فرار از گناه و دنبال کردن عدالت.

ایمان، پارسایی. وقتی آنها عیسی مسیح، نجات‌دهنده‌ی یگانه را پذیرفتند، توجه کنید که پارسایی به دنبال ایمان به انجیل می‌آید. آنها عشق می‌ورزند، ایمان و پارسایی و خدای حقیقی و همسایگان خود را بدون اینکه به راست یا چپ منحرف شوند، دوست دارند و جسم و اعمال آن را مصلوب می‌کنند.

اگرچه ضعف بزرگی در آنها باقی مانده است، مسیحیان واقعی، یعنی در تمام روزهای زندگی خود با روح) با آن مبارزه می‌کنند و دائماً به خون، رنج، مرگ و اطاعت خداوند عیسی متوسل می‌شوند، که (S حرف بزرگ در او از طریق ایمان به او، گناهانشان بخشیده می‌شود. در مورد کلیسای دروغین، حدس بزنید چیست؟ این کلیسا به خود و احکامش اقتدار بیشتری نسبت به کلام خدا می‌دهد. نمی‌خواهد خود را زیر یوغ مسیح قرار دهد.

این آیین‌ها را آنطور که مسیح در کلامش فرمان داده است، اجرا نمی‌کند. بلکه به دلخواه خود، رومیان ۷، به آنها می‌افزاید یا برخی از اصلاح‌طلبان رادیکال را از آنها کم می‌کند. این آیین بیشتر بر انسان‌ها تکیه دارد تا بر عیسی مسیح.

کسانی را که مطابق کلام خدا زندگی می‌کنند، آزار و اذیت می‌کند و آن را به خاطر خطاها، طمع و بت‌پرستی‌اش سرزنش می‌کند. تشخیص این دو کلیسا و در نتیجه تمایز آنها از یکدیگر آسان است. اعتراف اسکات اطلاعات مرتبیطی دارد.

استاندارد وست‌مینستر هرگز به طور خاص به این علائم اشاره نمی‌کند، اما اطلاعات مرتبیطی نیز دارد. این اعتراف‌نامه بلچر است که این سه علامت کلیسا را ارائه می‌دهد. در مورد منطق کتاب مقدس چطور؟ تا آنجا که به کلمه مربوط می‌شود، در واقع، هم کلمه و هم غسل تعمید مسیحی در مأموریت بزرگ عیسی به کلیسا ذکر شده‌اند.

مأموریت بزرگ بسیار مهم است. مسیح برخاسته، در آخرین سخنان خود به کلیسا، پیش از عروج به سوی پدر، این مأموریت را می‌دهد. این مأموریت با این گفته‌ی او که او اقتدار جهانی دارد، مقدم است

به دنبال آن وعده حضور او برای همیشه آمده است. تمام قدرت، متی ۲۸، ۱۸، تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. به آنجا بروید و همه ملت‌ها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها تعلیم دهید که هر آنچه را که به شما فرمان داده‌ام، رعایت کنند.

، و اینک، من همیشه تا پایان عصر با شما هستم. تعلیم مأموریت بزرگ به آنها، مأموریتی برای بشارت، ضمنی شاگردی، صریح، غسل تعمید، آیین مقدس اولیه از این دو، غسل تعمید، و شام خداوند است. و به طور خاص، دوباره، کلام، به آنها تعلیم دهید که هر آنچه را که به شما فرمان داده‌ام، رعایت کنند.

یکی دیگر از شواهد خوب برای اثبات اولویت کلام خدا، دوم تیموتائوس ۴:۲ است، جایی که پولس به شاگرد، جایگزین خود می‌گوید که او را متهم می‌کند. این نیز موضوع جدی است. بنابراین، هر دو مأموریت بزرگ، جدی و مهم هستند.

به همین ترتیب، از یک رسول به یک نماینده رسولی تکلیفی داده می‌شود. من شما را در حضور خدا و مسیح عیسی، که قرار است بر زندگان و مردگان داوری کند، و با ظهور و پادشاهی او، تکلیف می‌کنم. منظورم این است که ما اینجا داریم در مورد موضوع جدی صحبت می‌کنیم، درست است؟ کلام را موعظه کنید

در زمان و بی‌زمان آماده باشید. با صبر و شکیبایی کامل، سرزنش و توبیخ و نصیحت کنید. همه اینها گسترش و به کارگیری موعظه کلام است.

من با این مفهوم موافقم و کلیساهای اصلاح‌شده آن را پذیرفته‌اند. انجیل‌گرایی، به طور کلی، اگرچه نه به «صراحتی که گاهی اوقات می‌گفتند»: ما می‌توانستیم، آنها می‌توانستند، ما می‌توانستیم، من یک انجیلی هستم، سه نشان را پذیرفته است. بگذارید به وضوح گفته شود که نشان اول اساس دو نشان دیگر است.

کلام مهمترین نشان کلیسا است. در واقع، آیین‌های مقدس، کلام‌های قابل مشاهده هستند. ما آن را در شام خداوند، اول قرن‌تین ۱۱:۲۳ می‌بینیم، هر بار که این نان را می‌خورید و این جام را می‌نوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که او بازگردد.

برگزاری مراسم شام خداوند با کلمات این نهاد، اعلام مرگ خداوند است. اعلام کفاره است. موعظه انجیل به صورت نمادین در این مراسم است.

شام خداوند موعظه‌ای آیینی از انجیل است، و غسل تعمید مسیحی نیز همینطور است که اتحاد با مسیح و تطهیر و دریافت روح القدس را منتقل می‌کند. من نمی‌گویم که این چیزها به طور خودکار در غسل تعمید منتقل می‌شوند. من می‌گویم که معنای غسل تعمید همین است.

شام خداوند نیز همین‌طور است. این مراسم بیش از هر چیز، نشانگر اتحاد با مسیح و همچنین عادل‌شمردگی، تقدیس و فرزندخواندگی است. همه این چیزها به طور خودکار اعطا نمی‌شوند، بلکه توسط خدا وعده داده شده و با ایمان دریافت می‌شوند.

بنابراین، سه نشانه وجود دارد، اما در واقع یک نشانه اصلی وجود دارد، کلمه. انضباط، نشانه سوم، کاربرد کلمه از متی ۱۸، اول قرن‌تین ۵ و غیره است. کلمه، نشانه اصلی است.

آیین‌های مقدس غسل تعمید و عشای ربانی نیز از نشانه‌های کلیسا هستند. من آنها را مصداق کلمه می‌نامم. مأموریت بزرگ به عیسی فرمان می‌دهد و شامل توصیه عیسی برای تعمید به نام تثلیث است.

در متی ۲۶، ۲۶ تا ۲۸، عیسی شام خداوند را بنیان می‌گذارد. در اول قرن‌تین ۱۱، ۲۳ تا ۲۶، او می‌گوید که به یاد آوردن پولس از همان چیزی که توسط خداوند به او وحی شده بود را انجام می‌دهد. اینها گزینه‌هایی نیستند.

ما برادران و خواهرانمان را که به مسیح ایمان دارند، در چیزی مانند سپاه نجات، به عنوان هم‌کیشان خود به رسمیت می‌شناسیم. ما از این واقعیت که آنها آیین‌های مسیحی را رعایت نمی‌کنند، متأسفیم. این یک غفلت جدی است و بر اساس معیارهای تاریخی، با تعریف یک کلیسای واقعی فاصله دارد.

من نمی‌گویم که مردم نمی‌توانند در چنین نهادی نجات یابند. من می‌گویم که فاقد یکی از نشانه‌های کلیسا است، و فرقه‌های اصلی مسیحی، روی هم رفته، سال‌هاست که فاقد نشان انضباط بوده‌اند. این یک چیز بسیار غم‌انگیز است که یک کشیش انجیل در کلیسای متحد قدیمی پرسبیتی منصوب شد که آشکارا الوهیت مسیح را انکار می‌کرد، و این توسط یک پرسبیتی مجاز بود و مورد مؤاخذه قرار نگرفت، توسط مجمع عمومی لغو نشد.

این یک فقدان مهلک انضباط است. آیا من می‌گویم که همه در کلیساهای اصلی نجات نیافته‌اند؟ من این را نمی‌گویم. من می‌گویم اگر آنها انضباط را به شیوه کتاب مقدس رعایت نکنند، که نه تنها دستور داده شده است، بلکه باید به آرامی و به صورت کشیشی اجرا شود، از معیارهای کلیسا عقب می‌مانند.

در متی ۱۸ می‌بینیم که عیسی مسیح دستور می‌دهد، اگر برادرت به تو گناه کرد، شخصاً به او مراجعه کن؛ متی تا ۱۷، سعی کن آن را حل کنی. اگر نمی‌توانی، یک یا دو شاهد بیاور. اگر نمی‌توانی، اگر او هنوز حرف تو ۱۵:۱۸ را نمی‌شنود، آن را به کلیسا می‌بری، که به نظر من به این معنی است که آن را به مقامات کلیسا، بزرگان کلیسا می‌بری، و این تبدیل به یک کلیسا می‌شود، به شیوه‌ای بیشتر در سطح کلیسا، و تأدیب باید برای کمک به شخصی که گناه کرده است، برای حفظ سلامت بدن نیز انجام شود، اما مهمتر از همه، مانند همه چیز، برای جلال خدا.

برای مثال، سه هدف تأدیب توسط جان کالوین اصلاح‌گر تعلیم داده شده است. اول قرن‌تین ۵، پولس نمی‌تواند باور کند. حتی در میان غیریهودیان، در میان مردم نجات نیافته، غیریهودیان و کسانی که خارج از

عهد هستند، شنیده نشده است که یک مرد با نامادری خود همانطور زندگی کند که یک مرد با همسرش زندگی می‌کند.

آن مرد را بیرون کنید. هدف از تمام تنبیه‌ها، اصلاح و جبران است و ممکن است خدا از آن برای اصلاح فرد استفاده کند. من داستانی از یک زن و بزرگان یک کلیسای معتقد به کتاب مقدس می‌دانستم.

خب، اول از همه، مراحل را طی کرد، و به بزرگان رسید، باشه؟ با دو مرحله اول کار نکرد. نفر، اوه اوه. دو یا سه نفر، نه.

بزرگان او را نصیحت کردند، با او ملاقات کردند و برایش نامه فرستادند. سرانجام، در پایان کل این فرآیند، او هرگز گوش نداد. او هرگز توبه نکرد.

با ناراحتی و شاید اشک، او را تکفیر کردند، که یعنی ما رستگاری تو را قضاوت نمی‌کنیم، اما به دلیل عدم توبه مداومت و درخواست‌های صریح کتاب مقدس، از دسترسی به شام خداوند محروم شده‌ای، که یعنی مثل یک زن نجات نیافته زندگی می‌کنی. سرانجام، این او را شکست. او توبه کرد.

غم‌انگیز بود. تمام انرژی و تلاش و ساعت‌ها و کار آنها را گرفت. با این وجود، آنها بزرگان باوفایی بودند و خداوند از آن برای شفای زندگی این زن و زندگی دیگران که او به طور منفی بر آنها تأثیر گذاشته بود، استفاده کرد.

کلام خدا اولویت دارد. سه نشانه وجود دارد، اما آیین‌های مقدس و انضباط، کاربردهای کلام خدا هستند. کلام خدا انضباط را آموزش می‌دهد و آن را اداره می‌کند.

کلام برای انجام آیین‌های مقدس ضروری است. شما می‌توانید هر چقدر آب که می‌خواهید داشته باشید. اگر کلام، کلمات «من تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهم» را نداشته باشید، این یک تعمید مسیحی نیست.

شما می‌توانید هر چقدر نان و آب انگور یا شراب که می‌خواهید بدون کلمات مربوط به نهاد (رسمیت) میل کنید. این شام خداوند نیست. آیین‌های مقدس باید کلام را داشته باشند تا یک آیین مؤثر باشند.

نشانه‌های کلیسا شایسته‌ی توجه بیشتری هستند، اما ما در درس خارج خود که اکنون مطرح می‌شود، به موارد بیشتری خواهیم پرداخت. سه نشانه: موعظه‌ی خالص کلام، اجرای صحیح آیین‌های مقدس. من یک معلم ارشد بازنشسته در کلیسای پرسبیتی آمریکا هستم و به غسل تعمید خانگی اعتقاد دارم.

من به غسل تعمید کودکان اعتقاد دارم. در مورد کتاب اعمال رسولان چگونه؟ این موقعیتی است که انجیل به یک فرهنگ می‌رسد. البته، بزرگسالان غسل تعمید می‌گیرند چون آنها نجات یافته بودند.

حتی یک نمونه هم در کتاب اعمال رسولان از وضعیت نسل دوم وجود نداشت. در هر صورت، آیا من می‌گویم که باپتیست‌ها به درستی آیین‌های مقدس را اجرا نمی‌کنند؟ من این را نمی‌گویم. من می‌گویم که آیین‌های مقدس به درستی توسط یک خادم قانونی انجیل، با استفاده از آب، چه ریخته شود، چه پاشیده شود و چه در آب فرو رود، اجرا می‌شوند.

من شخصاً ریختن آب را ترجیح می‌دهم. یحیی تعمید دهنده پیشگویی کرد که عیسی روح القدس را بر کلیسا خواهد ریخت. من با آب تعمید می‌دهم.

او با روح القدس تعمید خواهد داد. عیسی این کار را در اعمال رسولان ۲ انجام می‌دهد. روشی که او استفاده می‌کند ریختن آب است. برای من سخت است که بگویم عیسی این کار را اشتباه انجام داده است.

آیا من می‌گویم که غوطه‌ور کردن در آب اشتباه است؟ من این را نمی‌گویم. من نمی‌گویم که پاشیدن آب اشتباه است. ما وقت نداریم که برای هر سه مورد، استدلال‌های کتاب مقدسی ارائه دهیم.

استدلال‌هایی وجود دارد، اما من این را می‌گویم. غسل تعمید مسیحی اگر توسط یک خادم انجیل به نام تثلیث با آب و کلمات «من تو را تعمید می‌دهم» و غیره - جدایی کلیسای - انجام شود، به درستی به عنوان یک نشان اجرا می‌شود.

اول از همه، چند اصطلاح. اصطلاحات مهم هستند. ارتداد، بدعت و تفرقه

، ارتداد به معنای ترک یا انکار مسیحیت است، چه داوطلبانه و چه از روی اجبار. در واقع، تعریف جامع‌تر آن ترک ایمانی است که زمانی به آن اعتقاد داشته‌ایم. بنابراین، می‌توان از یک مورمون مرتد یا یک بودایی مرتد صحبت کرد.

زمینه بحث ما مسیحی است. بنابراین، ارتداد به معنای انکار ایمان مسیحی است که زمانی به آن اعتراف شده است. مرتد کسی است که این کار را انجام می‌دهد.

اگر مثل من یک نازی دستور زبان apostatize است، نه apostatize و اگر برایتان مهم است، شکل فعل هستید، در هر صورت، این با بدعت یکی نیست. ضمناً، تعریفی که من ارائه دادم از فرهنگ لغت بین‌المللی جدید کلیسای مسیحی است.

میلارد اریکسون می‌گوید: «بدعت، فرهنگ مختصر الهیات مسیحی»، باور یا آموزه‌ای است که با کتاب مقدس و الهیات مسیحی در تضاد است. من عاشق میلارد اریکسون هستم. عاشق کتاب الهیات مسیحی او هستم.

من سال‌های زیادی از آن در تدریس استفاده کردم. او فقط یک شاهزاده کلیسا بود. او یک مرد خداترس است.

او خیلی کارهای خوب انجام داده است. همانطور که می‌توانید حدس بزنید، من دارم با او مخالفت می‌کنم. من و او قبلاً در کنفرانسی صحبت کردیم که او سخنران اصلی آن بود.

او دست راستِ رفاقت را به من داد و من هم با اشتیاق همین کار را کردم. اما اگر بدعت صرفاً یک باور یا آموزه است که با کتاب مقدس و الهیات مسیحی در تضاد است، خب، چطور می‌توانم آن را بگویم؟ اریکسون یک باپتیست است. من یک کودک-باپتیست هستم.

اریکسون یک پیشاهزاره‌گرا است. من علاقه‌ی زیادی به هیچ‌کدام از این موارد ندارم، اما به سمت غیرهزاره‌گرایی گرایش بیشتری دارم. او به حکومت جماعتی اعتقاد دارد.

من به حکومت بزرگان اعتقاد دارم. یک نفر اشتباه می‌کند. و خوشحالم که بگویم میلارد ممکن است در هر سه مورد درست بگوید، اما الان نکته‌ی من این نیست.

بدیهی است که من به آنچه تدریس می‌کنم و آنچه باور دارم، اعتقاد راسخ دارم، هرچند به همه چیز با اعتقاد یکسان پایبند نیستم. و برخی از این مسائل به اندازه برخی دیگر برای من مهم نیستند، اما این داستان دیگری است برای روزی دیگر. اما نکته اینجاست

ما در مورد این سه موضوع اختلاف نظر داریم. یکی از ما اشتباه می‌کند. شاید هر دوی ما اشتباه کنیم.

شاید او در مورد یک مورد اشتباه کند و من در مورد دو مورد. نمی‌دانم، اما ما همدیگر را مرتد نمی‌نامیم. بنابراین، تعریف من قوی‌تر است.

اعتقاد یا آموزه‌ای که با انجیل در تضاد است. بدعت فقط یک خطا نیست. همانطور که در ادامه خواهید دید، همه ما اشتباهاتی داریم.

این یک خطای فاحش است. پسر، ما نباید این کلمه بدعت‌گذار را دور بزنیم. برادران و خواهران مسیحی که در مورد غسل تعمید مسیحی، هزاره یا حکومت کلیسا با ما مخالفند، بدعت‌گذار نیستند.

کمی بعد بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. انشقاق، که تلفظ صحیح آن است، جدایی رسمی و عمدی از وحدت کلیسا است. فرهنگ لغت آکسفورد کلیسای مسیحی

من قبلاً از فرهنگنامه انجیلی کلیسای مسیحی، فرهنگنامه بین‌المللی جدید، نقل قول کردم. این برای برخی مطالب، افراد و جنبش‌های آمریکایی بهتر است. همانطور که ممکن است تصور کنید، فرهنگنامه آکسفورد کلیسای مسیحی برای برخی مطالب، افراد و جنبش‌های بریتانیایی بهتر است.

اصطلاح، ارتداد، ترک ایمان مسیحی که زمانی به آن اعتراف شده است. این همان چیزی است که در عبرانیان و ۱۰ نسبت به آن هشدار داده شده است. بدعت، باوری ننگین است که الوهیت مسیح را انکار می‌کند ۶.

جدایی از کلیسا. دیدگاه الهیاتی در مورد درجات خطا در طول سال‌ها به دانشجویان من بسیار بسیار، SISM کمک کرده است. ما بین آموزه‌های کتاب مقدس تمایز قائل می‌شویم؛ ما آن را حقیقت می‌نامیم.

خطاها، خطاهای منفرد. آیا تا به حال خطایی منفرد رخ داده است؟ شاید، شاید هم نه. خطاهای سیستماتیک یا نظام‌مند، خطاهایی هستند که در یک سیستم جریان دارند، سپس یک شکاف بزرگ، یک گسست بزرگ و سپس بدعت.

کلیساهای من از دیوید جونز، استاد ارشد الهیات در مدرسه علمیه کاوننت در طول سال‌های حضورم در آنجا نقل قول می‌کنم. او قبل از من بازنشسته شد و اکنون با خداوند است. نقل قول: کلیساهای کم و بیش رسولی هستند، یعنی از نظر آموزه‌ای خالص یا ارتدکس هستند، طبق آموزه انجیلی که در آنها آموزش داده می‌شود و پذیرفته می‌شود.

حتی خالص‌ترین کلیساهای نیز، همانطور که اصلاح‌طلبان به روشنی آموزش دادند، در معرض خطا هستند. با این حال، برخی از آنها در اعتراف به نظام آموزه‌های تعلیم داده شده در کتب مقدس، وفادارتر از دیگران هستند. بدعت‌های سیستماتیک به سختی از ارتداد قابل تشخیص هستند.

یعنی، کسی که معتقد است عیسی خدا نیست، چه درهای یک نهاد مذهبی را تاریک کند و چه نکند، آنها مرتد هستند و این معادل ارتداد است. آنها با باور به یک خطا، ایمان واقعی را انکار کرده‌اند. بگذارید این موارد را بررسی کنم.

آموزه‌های کتاب مقدس شامل الوهیت مسیح، انسانیت مسیح، تجسم مسیح و این واقعیت است که عیسی دوباره خواهد آمد. اعتقادنامه رسول، خلاصه‌ای تقریباً مورد قبول جهانی از آموزه‌های کتاب مقدس را خلاصه می‌کند. خطاها

من قبلاً کتابی را به هرمنوتیک اختصاص داده بودم، اسمش الان یادم نیست؛ شاید بعداً یادم بیاید. الان خیلی مهم نیست، اما در آن کتاب، نویسنده، دو نویسنده، گفته بودند مک کارتنی و کلیتون، کتاب هرمنوتیک مک کارتنی و کلیتون، تفسیر نادرست یک آیه در کتاب مقدس خدا گناه است. من گاهی اوقات آزمون‌های درست و غلط در مورد متون می‌گذاشتم تا مطمئن شوم دانش‌آموزان آنها را می‌خوانند و تکالیف را می‌خوانند، و این کتاب برای من شگفت‌انگیز بود. هر دانش‌آموزی آن جمله را می‌خواند؛ هر دانش‌آموزی آن جمله را می‌فهمید، و نیمی از دانش‌آموزان، اگرچه به نظرم درست یا غلط، تفسیر نادرست یک آیه در کتاب مقدس گناه است، نیمی از آنها می‌گفتند نادرست.

چرا؟ تکلیف طبق نظر مک کارتنی و کلیتون بود؛ شاید اسم کتاب به خواننده چنین چیزی را القا کند. آنها می‌دانستند که کتاب چیست، اما از آن خوششان نیامد، بنابراین نیمی از آنها انگشت شست خود را پایین گذاشتند و در مسابقه یکی را از دست دادند. آنها باهوش بودند؛ آنها می‌دانستند که من به هر حال چند هدیه رایگان به آنها داده‌ام، اما آیا حق با مک کارتنی و کلیتون نیست؟ این کلام خداست

آیا هیچ انسانی، هیچ واعظی، هیچ معلمی ادعا می‌کند که همه چیز را می‌داند؟ چیزی که می‌خواهم بگویم این است که دوستان من، این یکی از دو هدف من در آموزش این درجه از نمودار خطا است: همه ما خطا داریم این یک چیز فروتنانه است، این یک چیز فروتنانه است. یعقوب ۳، قبل از اینکه بخش مربوط به زبان را شروع کند، که کنایه‌ای برای گفتار است، زبان اندام گفتار است، اندام اصلی گفتار، می‌گوید، برادران من، بسیاری از شما معلم نشوید زیرا ما داوری سخت‌تری را تحمل خواهیم کرد.

این یک مسئله‌ی جدی است. همه‌ی ما اشتباهاتی داریم. این باید ما را که با کلام خدا و آموزه‌های آن سروکار داریم، فروتن کند، درست است؟ ما همه چیز را نمی‌دانیم.

همچنین باید ما را قادر سازد تا اشتباهات بزرگ را از اشتباهات کوچک تشخیص دهیم، و این کاری است که این نمودار به انجام آن کمک می‌کند. همه ما اشتباهاتی داریم. اگر اشتباهاتم را می‌دانستم، فوراً از آنها توبه می‌کردم، و این فعل درست است، توبه از اشتباهات

بنابراین، همه ما اشتباهاتی داریم. در واقع، تعداد زیادی از ما اشتباهات سیستماتیک داریم و من قصد دارم در اینجا از مثال‌هایی در مورد اشتباهات نام ببرم. همانطور که گفتم، من و میلارد اریکسون، مردی خداترس و معتقد، با هم اختلاف نظر داریم.

آیا دیدگاهم در مورد هزاره را مسئله مهمی می‌دانم؟ خیر. دیدگاه من در مورد غسل تعمید این است که چنین نمی‌کنم. فکر می‌کنم غسل تعمید مسیحی بسیار مهم است، اما من غسل تعمید باپتیست را به عنوان یک غسل تعمید معتبر دریافت می‌کنم.

امیدوارم دوستان باپتیست من هم این لطف را جبران کنند. و حکومت کلیسا، حکومت تمام کلیسا، جان فریم درست می‌گوید، ترکیبی از جماعت‌گرایی است که توسط بزرگان و غیره اداره می‌شود، و توسط کشیشان رهبری می‌شود. این یک ترکیب است، اما من به حکومت توسط بزرگان اعتقاد دارم، اما آیا این را به اندازه بی‌خطایی کتاب مقدس یا کرامت مسیح مهم می‌دانم؟ نه، من اینطور فکر نمی‌کنم.

اما من و اریکسون در این موارد اشتباهاتی داریم چون با هم اختلاف نظر داریم. هیچ‌کدام از ما دیگری را محکوم نمی‌کنیم. خطای سیستماتیک بدتر است.

این خطایی است که در کل سیستم اعتقادی جریان دارد. من به همراه مایکل ویلیامز کتابی با عنوان «چرا من یک آرمینین نیستم» نوشته‌ام. جری والز و جوزف دانجل کتابی با عنوان «چرا من یک کالوینیست نیستم» نوشته‌اند.

در واقع، آنها اول این کار را کردند. داستان طولانی است؛ نمی‌خواهم واردش شوم. اما ما همدیگر را دوست داریم و در خداوند همدیگر را می‌پذیریم.

اگر حق با آنها باشد، اینکه کالوینیسم من یک آرمینیوسی است، یک خطای سیستماتیک است. اما نکته اینجاست. هیچ‌کدام از ما یکدیگر را مرتد نمی‌دانیم.

خب، حدس بزن چی شده دوست من؟ دوستان، همه ما اشتباهاتی داریم. در برابر خداوند فروتن باشید برادران و خواهران خود را سرزنش نکنید و آنها را مرتد ندانید، فقط به این دلیل که آنها دیدگاه متفاوتی نسبت به هزاره یا برخی جزئیات دیگر ایمان دارند.

اگر آنها دیدگاه متفاوتی نسبت به الوهیت مسیح داشته باشند، خارج از ایمان هستند. تنها در صورتی می‌توان عضو یک فرقه بود و نجات یافت که برخلاف آموزه‌های فرقه اعتقاد داشته باشید. غلاطیان، من نکته‌ام را با استناد به غلاطیان ۱ و فیلیپیان ۱ بیان می‌کنم. غلاطیان ۱، پولس می‌گوید اگر فرشته‌ای از آسمان یا رسولی، که این غیرممکن است، انجیل متفاوتی را موعظه کند، لعنت بر او باد، نفرین شده.

او این را دو بار برای تأکید می‌گوید. این کلام خدا در انجیل است. این نشانه‌ای از کلیسا است.

حتی اگر رسولان یا فرشتگان چیز دیگری را موعظه کنند، این [مسئله] بالای سرشان قرار می‌گیرد. فیلیپیان ۱، پولس در زندان است. ظاهراً برخی از برادران حقیقی قطعاً در حال موعظه هستند.

من فکر می‌کنم آنها برادران واقعی هستند. آنها قطعاً در حال موعظه یک انجیل واقعی هستند تا از پولس پیشی بگیرند. شما می‌گویید این کار نادرستی است.

مریض است. واکنش پولس چیست؟ او خداوند را ستایش می‌کند. چرا؟ آیا او آسیب ندیده است؟ احتمالاً.

آیا این مهم است؟ نه چندان. چرا؟ چون آنها انجیل حقیقی را موعظه می‌کنند. نگرش آنها قطعاً وحشتناک است، اما از این بابت که آنها انجیل حقیقی را موعظه می‌کنند، او خوشحال است.

غلاطیان ۱، شما انجیل دیگری را موعظه می‌کنید، وای بر شما. پس همه ما اشتباهاتی داریم. خود را در برابر خداوند فروتن کنید.

برای درک نظام آموزه‌های کتاب مقدس سخت مطالعه کنید. اما نسبت به کسانی که در مورد برخی از این موارد با شما مخالفند، محبت و مهربانی نشان دهید. دوباره می‌گویم.

همان چیزهای مشابهی را که هنگام مطالعه وحدت کلیسا گفتم. من، پترسون، یک کالوینیست، چه وجه اشتراکی با آرمینین‌ها دارم؟ من، یک مسیحی پذیرا به روح‌القدس اما غیر کاریزماتیک یا پنطیکاستی، چه وجه

اشتراکی با مسیحیان کاریزماتیک یا پنطیکاستی دارم؟ من، یک متکلم عهد، چه وجه اشتراکی با متکلمان تقدیرگرا دارم؟ خیلی زیاد. پدر، پسر و روح القدس.

خون مسیح. شخصیت و خدمت روح القدس. البته برخی چیزها با تفاوت در درک.

و غیره. خدای من. بیایید کمی با هم کنار بیاییم و سر مسائل نسبتاً جزئی همدیگر را مرتد خطاب نکنیم.

چیزهای بیشتری در این مورد وجود دارد. اصول کتاب مقدس در این امر دخیل هستند. وظیفه کشیشان است که با پایبندی به حقیقت، از گله محافظت کنند.

اعمال رسولان ۲۰ مرا رسوا می کند. پولس به بزرگان افسس می گوید، این نوعی از پروتو-پرسبیتی است که در میلیتوس با او ملاقات می کند. از میان شما گرگ های درنده ای خواهند آمد که به گله حمله خواهند کرد.

چی؟ اعمال رسولان ۲۰، ۲۸ تا ۳۱. آیا منظور او از همان تعداد مردانی است که جلوی شما هستند؟ شاید، اما مطمئناً امیدوارم اینطور نباشد. امیدوارم منظورش از کلیسای ایشان باشد.

آه، اولی خیلی غم انگیز خواهد بود. آه. این وظیفه کشیشان است که با پایبندی محکم به انجیل، از گله محافظت کنند.

تیطوس ۱-۹ شرایط لازم برای بزرگان را بیان می کند. نه تنها اول تیموتائوس ۳ این کار را انجام می دهد، بلکه تیطوس ۱ نیز همین کار را می کند. و پولس از بزرگ می گوید؛ او او را اسقف یا ناظر می نامد.

به نظر من، این کلمات به طور موازی استفاده می شوند. کشیش یا چوپان، اسقف، ناظر، شیخ یا پیر. شیخ.

تیطوس ۱:۹. ناظر باید محکم به کلام امین، همانطور که پولس رسول به تیطوس آموخت، پایبند باشد. و او دو نتیجه از این امر را بیان می کند.

یکی را پیر دوست دارد. دیگری را او با اکراه باید انجام دهد. اسقف باید به کلام قابل اعتمادی که آموخته شده است، محکم بچسبد تا بتواند آموزه های صحیح را آموزش دهد.

انجام دهم، بسیار خوشحالم، همانطور biblicalelearning.org من از اینکه می توانم این سخنرانی ها را برای آموزش الهیات بین المللی اصلاح شده، می توانم انجیل و الهیات بیشتری را به RITE که از طریق خدمت مؤمنان در اوکراین آموزش دهم. چه نعمتی است که به برادران و خواهران آنها کمک می کنم، به خصوص اکنون که کشورشان در جنگ است. من از اینکه به عنوان مشاور الهیات برای بشارت کودکان خدمت می کنم، بسیار خوشحالم.

همه این چیزها قلب مرا شاد می کند. من از مخالفت با یک خطا خوشحال نمی شوم، اما باید با یک خطا مخالفت کنم. پیر باید به کلام قابل اعتمادی که تعلیم داده شده است، پایبند باشد تا بتواند آموزه های صحیح را آموزش دهد و همچنین کسانی را که با آن مخالفت می کنند، سرزنش کند.

اگر کسی بیش از حد از این لذت ببرد، خود را از مقام شیخ نشینی محروم می کند، زیرا شیخ نشینان نباید پرخاشگر باشند، اما باید بجنگند. آنها نمی خواهند بجنگند، اما گاهی اوقات مجبورند بجنگند. به همین دلیل است که تیطوس ۱:۹، اعمال رسولان ۲۸:۲۰-۳۱ این را می گویند.

ما به آنجا نمی‌رسیم، اما پولس می‌گوید اول تیموتائوس ۴:۱۶، زندگی و آموزه‌های خود را با دقت بررسی کنید مرتدان، اگر اخلاقی هستند، باید کلیسا را ترک کنند. نمی‌توانید روی آن حساب کنید، و شاید حتی انگیزه‌های آنها خوب نباشد.

اول یوحنا ۲: ۱۸-۲۰، درست همین حوالی. آنها، دجال‌ها، از ما بیرون رفتند، زیرا واقعاً به ما تعلق نداشتند. اگر به ما تعلق داشتند، با ما می‌ماندند، اما رفتن آنها نشان داد که هیچ‌کدام از آنها به ما تعلق نداشتند.

اول یوحنا ۲: ۱۸-۱۹، بدعت‌گذاران باید کلیسا را ترک کنند، اما اگر حاضر به ترک آن نباشند، چه باید بکنیم؟ این سوال بسیار خوبی است. کلیساها باید بدعت‌گذارانی را که حاضر به ترک آن نیستند، تنبیه کنند. اثبات این موضوع از آنچه فکر می‌کنید دشوارتر است.

تیطوس ۳:۱۰ و ۱۱ می‌گوید که این آیات، نه از نظر فنی برای بدعت‌گذاران، بلکه برای افراد تفرقه‌افکن، دستورالعمل‌هایی ارائه می‌دهد. تیطوس ۳:۱۰ می‌گوید کسی که رؤیا را می‌بیند، پس از یک بار و سپس دو بار، هشدار دادن به او، دیگر کاری با او نداشته باشید. با علم به اینکه چنین شخصی منحرف و گناهکار است، خود را محکوم می‌کند.

تیطوس ۲:۱۰ و ۱۱. دوم پطرس ۳:۱-۲ معلمان دروغین را محکوم می‌کند. دوم پطرس ۳:۱-۲ و آیه ۹ آنها را به باد انتقاد می‌گیرد.

از نظر فنی نمی‌گوید که آنها را بیرون کنید، اما مطمئناً، و دوباره به غلاطیان ۱ برمی‌گردیم، اگر کسی انجیل متفاوتی را موعظه کند، غلاطیان ۱: ۶-۹، لعنت بر او باد. بنابراین، من دقیقاً نمی‌توانم آیه‌ای پیدا کنم که این را بگوید، اما مطمئناً نتیجه‌گیری خوب و منطقی از آموزه‌های کتاب مقدس است. کلیساها باید مرتدانی را که حاضر به ترک کلیسا نیستند، تنبیه کنند.

تیطوس ۳:۱۰ و ۱۱ دستورالعمل مشابهی برای تأدیب افراد تفرقه‌انداز ارائه می‌دهد. دوم پطرس ۳:۱-۲ و ۹ معلمان دروغین را محکوم می‌کند. غلاطیان ۱:۶-۹ نیز همین کار را می‌کند.

آنها را به جهنم محکوم می‌کند. بنابراین اصول کتاب مقدس این است: کشیشان باید با پایبندی به حقیقت، از جمله سرزنش خطاها، از گله محافظت کنند.

دوم اینکه، مرتدان، اگر هستند، اگر درستکاری دارند، باید کلیسا را ترک کنند. یک داستان خنده‌دار برایتان تعریف کنم. یکی از دوستانم، آلن گومز، ویرایش شده. این یک تبلیغ خوب برای اوست: کتاب «هر چه هست» نوشته‌ی زوندروان، ۱۶ جلد راهنما برای ادیان و فرقه‌های جهان.

گومز از خیلی جهات بی‌نظیر است. او یک متخصص الهیات تاریخی بسیار خوب است. او همچنین متخصص فرقه‌ها نیز هست.

او متخصص فرقه‌های توحیدی، فرقه‌های توحیدی جهان‌شمول و در واقع همه فرقه‌ها است، اما در برخی از این موارد تخصص دارد. اوه بله، فرقه‌های توحیدی. او داستانی را تعریف می‌کند که او یک داستان شگفت‌انگیز را تعریف می‌کند: کلیساهای توحیدی جهان‌شمول.

می‌فهمی این مردم به چی اعتقاد ندارند؟ اونا به خدا بودن عیسی اعتقاد ندارند. اونا به جهنم اعتقاد ندارند. من حتی نمی‌دونم که به هیچ نوع بهشتی یا آسمان و زمین جدیدی اعتقاد دارن یا نه.

با استفاده از اصول UU آنها واقعاً از چارچوب ارتدکس خارج هستند. خب، حدس بزنید چی شد؟ کلیساهای رشد کلیسا در حال رشد هستند. فقط کمی غم انگیز است.

این نشان می‌دهد که اگر قهوه و دونات بدهید و دوستانه رفتار کنید، می‌توانید مردم را حتی به موقعیت‌های بدعت‌آمیز هم جذب کنید. و این، یک چیز خنده‌دار است. کمی بیمارگونه است، اما خنده‌دار است.

گومز می‌گوید برخی از اعضای قدیمی‌تر کلیسای متحد دوست ندارند که از اصول رشد کلیسا برای جلب وفاداری استفاده شود، زیرا، نقل قول می‌کنم، آنها حتی در مورد عیسی به مردم می‌گویند. یعنی، برخی از آنها درستکاری دارند و حاضر نیستند از بدعت‌های خود دست بکشند و الوهیت مسیح را انکار کنند. خدای من

کلیساهای مسیحی باید مرتدانی را که حاضر به ترک کلیسا نیستند، تنبیه کنند. مسیحیان باید از کلیسای که نشانه‌های کلیسا را رد می‌کند، جدا شوند. گفتن این حرف برای من سخت نیست، اما من این را به عنوان یک متکلم انجیلی می‌گویم.

دوم سموئیل ششم، کلیسای خودمان در اینجا، کلیسای عهد فیض در سنت چارلز. کشیش ما دکتر ون لیز است که کلام خدا را از طریق کتاب‌ها، یک کتاب از کتاب مقدس پس از دیگری، موعظه می‌کند، کتاب مقدس را با عشق و شادی در قلبش به روشنی توضیح می‌دهد، و وقتی به بخشی از اشتباهات می‌رسد، حقیقت را به روشنی بیان می‌کند. او چنین می‌کند.

والدین یکی از دوستانم از کلیسا بازدید می‌کردند. آنها به کلیسای دیگری می‌رفتند که نامش را در این ویدیو فاش نمی‌کنم. و او، او، متن قبل از او از تعالیم غلط و بدعت‌ها در روزهای آخر صحبت می‌کرد.

و او گذاشت پرواز کند، گذاشت پاره شود. و بعد از موعظه‌اش، مادر عزیز گفت، مرد و همسرش، او گفت، ما هر هفته این را در کلیسایمان می‌شنویم. و من گفتم، چرا آن را رها نمی‌کنید؟ و آنها این کار را کردند.

او هر هفته در کلیسایشان موعظه‌های مربوط به بدعت‌های روزهای آخر را می‌شنید. او، حرف من این است. مسیحیان به دلیل رفاقت و اهمیت دادن به دیگران سال‌ها در آنجا ماندند و مؤمنان واقعی بودند، اما تعلیمات بد بود.

این تعلیم، انجیل و نیاز به انجیل را انکار می‌کرد. مسیحیان باید از کلیسای که نشانه‌های کلیسا را رد می‌کند، جدا شوند. دوم قرن‌تیا ۱۴:۶ تا ۱:۷ متن کلاسیک است.

زیر یوغ نامساوی با کافران نروید. زیرا چه شراکتی بین پارسایی و بی‌قانونی وجود دارد؟ چه رفاقتی بین نور و تاریکی؟ چه توافقی بین مسیح و بلیعال، نامی برای شیطان در عهد جدید؟ چه نسبتی بین یک مؤمن و یک کافر وجود دارد؟ چه توافقی بین معبد خدا و بت‌ها وجود دارد؟ زیرا ما معبد خدای زنده هستیم. همانطور که خدا گفته است، من در میان آنها ساکن خواهم شد و در میان آنها راه خواهم رفت.

من خدای آنها خواهم بود. آنها قوم من خواهند بود. بنابراین، از میان آنها بیرون بروید و از آنها جدا شوید. این فرموده خداوند است.

به چیز ناپاک دست نزنید، و من شما را خواهم پذیرفت. من برای شما پدر خواهم بود. شما برای من پسران و دختران خواهید بود، این فرموده‌ی خداوند متعال است.

عزیزان، حال که این وعده‌ها را داریم، بیایید خود را از هر نجاست جسم و روح پاک کنیم و با ترس از خدا تقدس را به کمال برسانیم. عبارت یوغ نابرابر، ۱۴: ۶ از دوم قرن‌تینان، اغلب در مورد ازدواج به کار می‌رود. در وهله اول، از ازدواج صحبت نمی‌کند.

این از اتحاد معنوی صحبت می‌کند. پولس نمی‌توانست بیشتر از این تأکید کند. بارها و بارها، شمارش از دستم در رفته است. آیا شش بار است؟ او از کلمه‌ای استفاده می‌کند که از ایمان صحبت می‌کند، کلمه‌ای که از بی‌ایمانی صحبت می‌کند، و کلمه‌ای که از اتحاد صحبت می‌کند.

ای ایمانداران، تلویحاً گفته شده است که زیر یوغ نامساوی و اتحاد با کافران نباشید. چه شراکتی، یعنی کلمه اتحاد، عدالت و ایمان را با بی‌قانونی و کفر در بر دارد. چه رفاقتی، یعنی کلمه اتحاد، نور و ایمان و تاریکی را در بر دارد.

پس می‌کنم. همینطور ادامه داره. با تکرار مداومش داره تاکید می‌کنه.

ای مؤمنان، از میان آنها بیرون آید؛ البته، آنها باید با کافران دوست باشند. کافران چگونه به ایمان روی می‌آورند؟ اما مؤمنان باید از کفر جدا شوند. باز هم، آیا من در مورد جزئیات ایمان صحبت می‌کنم؟ من در مورد جزئیات ایمان صحبت نمی‌کنم.

من در مورد انکار راه نجات، انکار الوهیت مسیح، انکار اصول ایمان صحبت می‌کنم. در سخنرانی بعدی‌مان، به بررسی غسل تعمید و شام خداوند به عنوان احکام کلیسای مسیحی خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر است. این جلسه ۹، نشانه‌های کلیسا، جدایی کلیسای و اصول کتاب مقدس در مورد خطا است.